

آیت الله حاج شیخ علی زاهد قمی

ناصرالدین انصاری قمی
محقق حوزه علمیه قم

شهر مقدس نجف از دیرباز تاکنون شاهد حضور هزاران نفر از رجال علم و فضیلت بوده است. مردانی که هر یک با کوله باری از تعهد و احساس مسئولیت، به خدمت به شریعت مقدس پرداختند و به خوبی از عهده بدرآمدند. مردانی که چشم روزگار مانند آنان را کمتر به خود دیده - و یا بهتر بگوییم - هرگز نخواهد دید. آنان با تحمل شداید و سختیهای فراوان، قله های افرشته علم و دانش را درنوردیدند و به خلق آثار جاودانه علمی نایل آمدند. یکی از آن بزرگمردان نامی، که نام نیکش در قاموس علمای بزرگ شیعه خوش خواهد درخشید، مرحوم آیت الله حاج شیخ علی زاهد قمی است، شخصیتی که زهد و تقوایش، مقامات علمی او را تحت پوشش قرار داد و اوج فقاہت او تاکنون ناشناخته مانده است. اینک، این مقاله درصدد بازگویی اندکی از مقامات علمی و معنوی وی در پنجاهمین سال وفاتش می باشد. بدان امید که روزی آثار فقیه متعدد وی به جهان علم عرضه گردد.

ولادت

مرحوم آیت الله حاج شیخ علی زاهد قمی، در هفتم رمضان المبارک سال ۱۲۸۳ ه.ق. در تهران، در بیت علم و تقوا و فضیلت زاده شد آقا بزرگ تهرانی، نقباء البشر، ج ۴، ۱۳۲۳؛ مرعشی نجفی، المسلسلات، ج ۲، ۳۶۹.

خاندان

پدرش، فقیه بزرگوار و عالم عامل عالی مقدار آیت الله شیخ محمد ابراهیم (بن محمد علی) قمی، از شاگردان آیات عظام سید ابراهیم قزوینی صاحب ضوابط (در کربلا)، شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهر و شیخ مرتضی انصاری (در نجف اشرف) و داماد فقیه بزرگ علامه شیخ مشکور حولای نجفی (م. ۱۲۷۲ ه.ق) بوده است وی در بازگشت به ایران (به عنوان نماینده شیخ انصاری) پایتخت را به عنوان مرکز تبلیغ و تدریس خود برگزیده و در شمار یکی از علمای معروف تهران در آمد. از او کتاب صوم و کتاب اجاره بر جای مانده است. وفاتش به سال ۱۳۰۱ ه.ق. (۲۸ جمادی الثانی) در تهران رخ داد و پیکر پاکش در صحن حرم مطهر امیرالمؤمنین (ع) به خاک سپرده شد. آقا بزرگ تهرانی، نقباء البشر، ج ۱، ۲۱؛ اعتماد السلطنه، المآثر و الآثار، ۱۷۹؛ امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۵، ۳۷۱؛ حرزالدین، محمد، معارف الرجال، ج ۲، ۱۴۴؛ امینی، محمد هادی، معجم رجال الفکر فی النجف، ج ۳، ۱۰۱۲؛ مادرش صبیبه فقیه معروف و عالم عابد زاهد نجف آیت الله شیخ مشکور حولای نجفی بوده است، که خاندان مشکوری نسب به وی می برند.

نیای مادری اش، آیت الله شیخ مشکور حولای کبیر (۱۲۰۹ - ۱۲۷۲ ه.ق) - ابن محمد بن صفراخاقانی - از فقهای بزرگ شیعه و از مراجع تقلید مشهور نجف و مؤسس خاندان «آل مشکور» بوده است آیت الله سید حسن صدر درباره او می نویسد: «وی، از بزرگان فقهای اهل بیت، یگانه روزگار در علم و دانش، و یکه و تنها در ورع و پرهیزگاری، و مرجع تقلید مردم و معروف به کمال نفس در علم و عمل بود. او پس از صاحب جواهر به ریاست و مرجعیت رسید، در فقه دستی توانا و اطلاعی بسیار داشت و کوه بلند دانش و مروج دین و آمر به معروف و ناهی از منکر و عابد و زاهد و مشهور به تحقیق و تدقیق بود. او از شاگردان آیات عظام: شیخ علی کاشف الغطاء، شیخ حسن کاشف الغطاء (صاحب انوار الفقاهاة) و شیخ محسن اعسم (صاحب کشف الظلام) و استاد بسیاری از علما و مراجع تقلید شیعه مانند آیات عظام: میرزا محمد حسن شیرازی، میرزا حسین خلیلی تهرانی، حاج ملا علی کنی، شیخ عبدالحسین تهرانی، میرزا ابراهیم شریعتمدار سبزواری، سید محمد هندی نجفی و شیخ محمد حسن شریعتمدار استرآبادی بوده است».

تألیفات او عبارتند از: کفایة الطالبین (رساله عملیه)، هدایة السالکین (مناسک حج) و منجزات مریض، که اخیراً در قم به چاپ رسیده است.

وی در روز جمعه ربیع الاول ۱۲۷۲ ه.ق چشم از جهان فرو بست و در صحن حرم مطهر امیرالمؤمنین - علیه السلام - مدفون شد. [حرزالدین، معارف الرجال، ج ۳، ۶ - ۸؛ سید محسن امین، اعیان



آیت الله حاج شیخ علی زاهد قمی

الشیعه، ج ۱، ۱۲۶؛ سید محمد مهدی لکنوی، نجوم السماء، ج ۱، ۱۰۷؛ معلم حبیب آبادی، مکارم الآثار، ج ۶، ۲۰۳۰؛ جعفر آل محبوبة، ماضی النجف و حاضرها، ج ۲، ۱۷۹ - ۱۸۱؛ اعتماد السلطنه، المآثر و الآثار، ۱۳۹؛ امینی، معجم رجال الفکر فی النجف، ج ۳، ۱۲۰۱.

فرزند او - دایی آیت الله شیخ علی زاهد قمی - مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد جواد مشکوری (۱۲۴۷ - ۱۳۳۵ ه.ق) هم یکی از فقیهان بزرگ نجف و از ائمه جماعات حرم امیرالمؤمنین، و از شاگردان آیات عظام: شیخ مرتضی انصاری، میرزا محمد حسن شیرازی، و میرزا حبیب الله رشتی بوده است. او عالمی فاضل، فقیهی محقق و اصولی مدقق بود و جمع از مردمان و عشایر شرقی عراق (بصره و عماره) از او تقلید می کردند و سرانجام در ماه ربیع الثانی ۱۳۳۵ ه.ق. بدرود حیات گفت و در مقبره پدر بزرگوارش در صحن حرم امیرالمؤمنین به خاک سپرده شد. [حرزالدین، معارف الرجال، ج ۲، ۲۲۲ - ۲۲۳؛ سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۴، ۲۹۵؛ آقا بزرگ تهرانی، نقباء البشر، ۳۴۱؛ جعفر آل محبوبة، ماضی النجف و حاضرها، ج ۲، ۱۷۶].

آیت الله حاج شیخ علی زاهد قمی، در دامان پاک چنین پدر و مادری بالیده شد و رشد نمود و پس از رسیدن به سن تمییز، به تحصیل علوم دینی نزد پدر بزرگوارش روی آورد. او نخست ادبیات عرب را آموخت و پس از آن به فراگیری سطوح عالیه پرداخت و پس از فراغت از آن در اوایل جوانی - ۱۸ سالگی و پس از آن (بعد از ۱۳۰۰ ه.ق) - به سوی نجف اشرف رهسپار شد آقا بزرگ تهرانی، نقباء البشر، ۱۳۲۳]. برخی از مصادر، سال هجرتش به نجف را ۱۳۰۴ ه.ق - ۲۱ سالگی - نگاشته اند. [امینی، محمد هادی، معجم رجال الفکر فی النجف، ج ۳، ۱۰۱۳].

به سوی نجف

حاج شیخ علی قمی به مجرد ورود به نجف با کمال جدیت و کوشش در درسهای فقه، اصول، اخلاق و عرفان، رجال و حدیث استوانه های علمی حوزه شرکت نمود و تمام تقریرات درس آنان را، مرتب و منظم نگاشت.

علامه تهرانی می نویسد: «وی در علوم اسلامی، به درجه والایی رسید و بهره بزرگی داشت و پیش از ۴۰ سالگی، از مجتهدین و افاضل فقها گردید و نزد اساتید و علما و پیشوایان مذهب، جایگاهی ویژه و همراه با اکرام و احترام داشت. او در زمان استادان خویش، تقریرات درس فقه آنان را با کمال بسط و دقت نگاشت، و در رجال و حدیث نیز تألیفاتی را به یادگار نهاد که نشانه ای از آگاهی و اجتهاد و استنباط فراوانش بود...» [آقا بزرگ تهرانی، نقباء البشر، ج ۴، ۱۳۲۴].

استادان

معظم له در نجف اشرف در محضر بزرگانی زانوی ادب به زمین زد که عبارتند از آیات عظام:

۱. میرزا حبیب الله رشتی (۱۲۳۴ - ۱۳۱۲ ه.ق) صاحب «بدایع الافکار» و «کتاب الاجارة»
۲. آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (۱۲۵۵ - ۱۳۲۹ ه.ق) نویسنده «کفایة الاصول» و «حاشیة المکاسب»
۳. حاج آقا رضا همدانی (۱۲۵۰ - ۱۳۲۲ ه.ق) نویسنده «مصابح الفقیه» و «حاشیة المکاسب»
۴. میرزا حسین خلیلی تهرانی (۱۲۳۰ - ۱۳۲۶ ه.ق) نویسنده «ذریعة الوداد فی منتخب نجات العباد»
۵. شیخ عبدالله مازندرانی (۱۲۵۶ - ۱۳۳۰ ه.ق) صاحب «حاشیة المکاسب» و «أهبة العباد فی یوم المعاد»
۶. ملا حسینقلی همدانی (۱۲۳۹ - ۱۳۱۱ ه.ق) نویسنده «تقریرات درس شیخ انصاری»
۷. سید مرتضی کشمیری (۱۲۶۷ - ۱۳۳۳ ه.ق) صاحب «کشف الضمائر» و «تقویم المحسنین»
۸. حاج میرزا حسین نوری (۱۲۵۴ - ۱۳۲۰ ه.ق) صاحب «مستدرک الوسائل» و «نجم الثاقب»

توانایی علمی

علامه تهرانی می نویسد: «من او را در نجف اشرف در سال ۱۳۱۴ ه.ق - یکسال پس از هجرت به نجف - شناختم و این زمانی بود که هر دوی ما نزد خاتم المحدثین مرحوم محدث نوری به شاگردی می پرداختیم و پس از سالیانی چند، علامه حاج شیخ عباس قمی هم به ما پیوست (او به واسطه حاج شیخ علی زاهد قمی، محدث نوری را شناخت و بدو پیوست). ما سه نفر از همه اتصالمان بدو بیشتر، و استفاده مان از او زیادت، و همراهی مان با وی شدیدتر بود، تا زمانی که خداوند او را به سوی خود فراخواند.

و این اتصال و دوستی ما با گذشت زمان، روز به روز بیشتر و محکمتر گردید تا آنکه من پس از درگذشت استادمان محقق خراسانی در سال ۱۳۲۹ ه.ق، به سامراء، برای استفاده از درسهای میرزا محمد تقی شیرازی رفتم و او برای زیارت قبور مقدسه عسکریین - علیهما السلام - بسیار به سامرا می آمد و در خانه ما مدتی طولانی اقامت می گزید. در خلال این مدت، به درس و بحث برخی از اساتید حاضر می شد و در مسائل علمی، فراوان مذاکره و مناقشه می کرد. او در تألیف و مراجعه و استنساخ و مانند آن، دائم الاشتغال بود. از تألیف، حتی در سفر و غربت، سست و خسته نمی شد. لذا از نگارش برخی از آثارش در نجف، و از برخی دیگر در مسجد کوفه - در ایام اعتکاف - و از برخی دیگر در کاظمین و سامرا، و از برخی از کتابهایش در مدینه یا مکه، در ایام تشریفش به حج بیت الله الحرام فراغت جسته است [آقا بزرگ تهرانی، نقباء البشر، ج ۴، ۱۳۲۴ - ۱۳۲۵].

آیت الله مرعشی نجفی می نویسد: «وی از کسانی بود که خداوند متعال او را به عمل به تمامی آداب و مستحبات شرعی - حتی مجاورت حرمین شریفین (مکه و مدینه) - موفق گردانیده بود. من از او دعای «حرز یمانی» - معروف به دعای سیفی - را به اجازه ویژه روایت می کنم. او جرثومه زهد و تقوا و ورع، نمونه پیشینیان شایسته ما، برکتی از برکات دوران ما، مقید به آداب و مستحبات، فقیه، محدث، زاهد عابد، ورع تقی نقی، مجتهد شب زنده دار بود». [مرعشی نجفی، المسلسلات، ج ۲، ۳۷۱].

شاگردان

آن مرحوم مجلس درس رسمی نداشت، اما برخی از فضلاء نجف به گونه خصوصی از مجلس درسش بهره بردند که برخی از آنان عبارتند از آیات و حجج اسلام:

۱. سید حسن موسوی خراسانی (۱۳۲۲ - ۱۴۰۵ ه.ق) نویسنده «حیة الشیخ الطوسی» و شرح مشیخه «تهذیب»، «استبصار» و «فقیه»
۲. سید حسین حسینی همدانی (۱۲۹۶ - ۱۳۹۳ ه.ق) نویسنده «هدیة الملوك»، «من آداب المصلی»، «تنبيه العصاه ممن ترک الصلاة» وی از اصحاب خاص معظم له و افاضل شاگردان او بود و اکثر علوم خویش را از او فرا گرفت [الفتلاوی، کاظم عبود، المنتخب، ۱۲۵]
۳. سید شهاب الدین حسینی مرعشی نجفی (۱۳۱۵ - ۱۴۱۱ ه.ق) نویسنده «ملحقات احقاق الحق» و «انساب السادة الكرام»
۴. شیخ محمد حسین اعلمی حایری (۱۳۲۰ - ۱۳۹۳ ه.ق) صاحب «تراجم اعلام النساء»

نیز، بسیاری از فضلاء نجف، از او اجازه روایی دریافت کرده بودند، که برخی از آنان عبارتند از: آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی - قدس سره - نویسنده «کتاب القصاص» و «تعلیقه بر عروة الوثقی»، آیت الله شیخ محمد علی غروی اردوبادی (۱۳۱۲ - ۱۳۸۰ ه.ق) نویسنده «علی ولید الکعبه» و «الانوار الساطعة فی تسمیة حجة الله القاطعة» مرحوم علامه اردوبادی

پیرامون این اجازه می نویسد:

«پیکره علم و فقه و تقوا، علامه فرد و یگانه حاج شیخ علی قمی - سلمه الله تعالی -، به من در ۲ شوال ۱۳۵۳ ه. ق. در حرم حسینی (ع) پس از نماز صبح، در خصوص کتاب «مستدرک الوسائل»، از نویسنده اش علامه محدث نوری - که از آغاز تا پایان کتاب بر او خوانده بود - اجازه روایت بخشود. و این روایتی است که در این زمانهای کنونی، بسیار ارزشمند است و دومی آن را نمی یابیم. و در این روایت تمام فوائد اجازه حاصل است و این کرامتی است که تنها این شیخ مقدس، بدان اختصاص دارد. و از تألیفات اوست: شرح تبصره علامه، شرح هدایة الامة و بدایة الهدایة صاحب وسائل، ازالة الغواشی عن بعض شبهات الحواشی و تنویر المرأة». [غروی اردوبادی، محمد علی، السبیل الجدد

«ایضاح المقال فی اثباته وجوب الجمعة علی کل حال»، تاریخ این اجازه، ۱۲ جمادی الثانی ۱۳۴۴ ه. ق است.

ویژگی های اخلاقی

بهترین توصیف خصوصیات فردی و اجتماعی مرحوم آیت الله حاج شیخ علی زاهد قمی را دوست نزدیک و صدیق صمیمی او، علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی، نموده است، که ما به همان بسنده می کنیم:

«وی به زهد و تقوا و ورع، از آنگاه که کودکی بیش نبود، شناخته شده، و رهپمای راه سعادت و نجات بود. او دائم الاشتغال به جهاد نفس و مراقبت از خویش بود. هر چه را که از کشورهای غیر اسلامی بود، نمی خورد، نمی پوشید و استفاده نمی کرد. حتی قلم و کاغذی را که در ممالک غیر مسلمان ساخته شده بود، به کار نمی برد. از مشتهبات پرهیز می کرد و در بسیاری از مباحات هم زهد می ورزید. او غالباً، از خوراکیهای لذیذ، لباسهای زیبا و فرشهای نرم و راحت دوری می گزید.

معمولاً، خوراک ساده می خورد و لباس درشت می پوشید و بر رختخوابی که از برگ درختان خرما بافته شده بود، می خوابید. اما در مساجد و اماکنی که پاکی و پاکیزگی شان را احراز می نمود، عبایش را - از سر تواضع و فروتنی - پهن می کرد و بر آن می نشست. او هیچگاه به ظاهرش، رنگ و دوخت لباسش اعتنا نمی کرد و هیئت ظاهری اش به فقیران و غریبان و بیابان نشینان، شبیه تر بود. او این کارها را عملاً، برای مخالفت با نفسش و تواضع در برابر خدا و خلق و از روی دشمنی با ظاهر سازی، با محافظت بر آداب و مستحبات شرعی انجام می داد و در عین حال، مواظب نظافت جسمش و پاکیزگی لباسهایش - در عین سادگی آنها - بود. او محاسنش را با حنا خضاب، و شارب و ناخنهایش را همواره کوتاه می کرد. او در امر به معروف و نهی از منکر شدید بود و در راه خدا از سرزنش ملامت گران نمی هراسید. در امر دین کوتاهی و سستی را نمی شناخت و خشنودی مردم را به خشم خدا - مطلقاً - ترجیح نمی داد. اما غیبت، بلکه سخن در غیر شئون آخرت، در طول عمرش و مدت زندگی اش، کسی از او نشنید. اگر سخن می گفت، تنها از حدیث و علم - و سخنانی که ربطی به شئون دنیا نداشت - سخن می گفت و اگر خلوت می گزید به تألیف، قرائت قرآن و ذکر، یا اندیشه در آینده اش می گذرانید.

وی به زهد و تقوا در بین خاص و عام شهره بود، و اهل علم و متدینین - از عرب و عجم و سایر طبقات نجف - همه، بر اورع و اتقی و اعلا بودن وی، اتفاق کلمه داشتند و کسی در آن شکی نداشت. کم سخن می گفت و تنها به اندازه پاسخ پرسش سخن می گفت و هیچگاه با همنشینش سخن آغاز نکرد. این امر باعث شد تا اکثر اهل علم و دانش به فضیلتش - جز زهد و تقوا - پی نبرند. زهد و ورع او مکانت علمی و مقام بلندش در فقه و اجتهاد را تحت پوشش قرار داده بود و متأسفانه، این اعتقاد حتی در افاضل و بزرگان حوزه نیز تأثیر گذاشته بود، که او را به جز زاهد نمی شناختند.

او در مسجد هندی اقامه جماعت می کرد و گروهی بسیار بدو اقتدا می کردند و برای درک نمازش، علما و صلحا و اهل



آیت الله حاج میرزا حبیب الله رشتی از اساتید ایشان

الی حلقات السند، در مجله علوم الحدیث، ش ۲، ۲۳۶].

آیت الله شیخ محمد رضا طیبسی نجفی (۱۳۲۲ - ۱۴۰۵ ه. ق) صاحب «ذرائع البیان فی عوارض اللسان» و «در الاخبار فی ما یتعلق بحال الاحتضار». آیت الله شیخ محمد حسین اعلمی حایری نویسنده «مقتبس الاثر و مجدد مادثر» در ۳۰ جلد، آیت الله سید محمد مهدی موسوی کاظمی (۱۳۱۹ - ۱۳۹۱ ه. ق) صاحب «احسن الودیعة فی تراجم مشاهیر مجتهدی الشیعه»، آیت الله شیخ محمد رضا جرقویه اصفهانی (۱۳۰۵ - ۱۳۹۳ ق) نویسنده

دیدار او می‌رفتند، اما کسی از او در خلال این مدت طولانی، کلمه‌ای گلایه و شکایت و اظهار ناراحتی و دل‌تنگی - مطلقاً نشنید، بلکه زبانش همواره به حمد و شکر الهی، و رضایت به قضای خداوندی گویا بود تا آنکه به سرای باقی شتافت» [آقا بزرگ تهرانی، نقباء البشر، ج ۴، ۱۳۲۵ - ۱۳۲۷].

علامه امین عاملی هم می‌نویسد: «وی اورع و با تقواترین مردم زمان خودش بود. اخلاقی نکو و طریقتی مستقیم داشت، همواره به مجاهده با نفس و مراقبت از خویش، و علم آموزی اشتغال داشت، تارک مشتبهات بود و نمی‌خورد و نمی‌آشامید و به کار نمی‌برد مگر آنچه که در شهرهای اسلامی ساخته می‌شد. . . ماده تاریخ وفاتش «شأن عظیم» می‌باشد» [امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعة، ج ۸، ۱۵۰].

علامه حرزالدین نیز چنین نوشته است: «وی - حفظه الله تعالی - از اهل فضل و زهد و عبادت و قداست بود، و از زهدش و دوری اش از زخارف دنیا آن بود که قدر و قیمتی برای خوراک و پوشاکش قائل نبود. لباس درشت و زمختی که در شهرهای اسلامی بافته می‌شد - به ویژه لباس پشمی و پنبه‌ای که در ایران بافته می‌شد - می‌پوشید و هیچگاه از لباسهای ساخت کشورهای اروپایی و آسیایی کافر استفاده نمی‌کرد. آثار سجده بر پیشانی و بین چشمانش - از کثرت نماز و سجده‌های طولانی اش - نمایان بود. او ملتزم به مستحبات و اعمال مندوبه مؤدب به آداب شرعی، و مشارالیه به ورع و درستی و صلاح و زهد در نجف - در زمان خودش - بود. او درس و تدریس را در آخر عمرش ترک کرد و یکسره به عبادت روی آورد» [حرزالدین، شیخ محمد، معارف الرجال، ج ۲، ۱۴۳ - ۱۴۴].

تالیفات

از آن فقیه بزرگ کتابهای متعدد در فقه و حدیث و اخلاق برجای ماند که تاکنون به چاپ نرسیده و همه آنها نزد فرزندش حجة الاسلام حاج شیخ موسی قمی موجود است. آنها عبارتند از:

۱. شرح تبصرة المتعلمین. این کتاب، شرحی گسترده بر تبصرة المتعلمین علامه حلی می‌باشد و در ۴ مجلد است:

جلد اول: از طهارت تا نبی از منکر
جلد دوم: از متاجر تا پایان وصایا (پایان تألیف: ۱۳۲۱ ه. ق.). در آغاز آن، اجازه مفصلی از محدث قمی به او درج شده است.

جلد سوم: کتاب نکاح
جلد چهارم: کتاب طلاق (انجام تألیف: ۱۳۲۶ ه. ق.). مؤلف، آن را کتاب الفراق نامیده است [آقا بزرگ تهرانی، الذریعة، ج ۱۳، ۱۳۶].

۲. کتاب الصلاة: شرح گسترده تر و تحریری دوباره از شرح تبصرة اش می‌باشد.

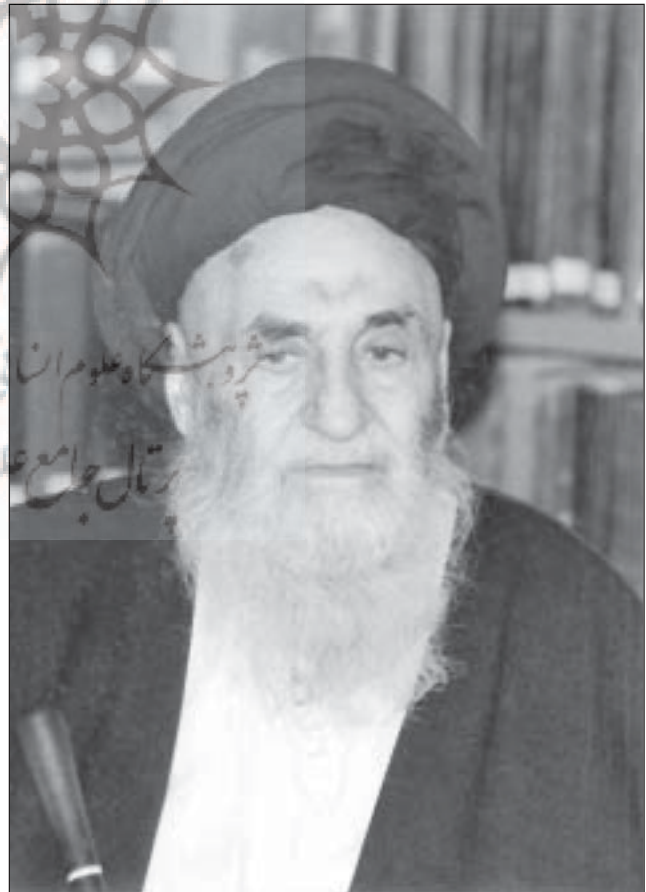
۳. کتاب الحج: از این دو کتاب، در سال ۱۳۳۲ ه. ق. فراغت جسته است.

۴. صلاة المسافر: پایان تألیف: ۹ جمادی الاولی ۱۳۱۸ ه. ق. [امین عاملی، اعیان الشیعة، ج ۸، ۱۵۱].

فضل و معروفین به تقوا و زهد و عبادت، بر یکدیگر پیشی می‌گرفتند.

او در شداید و سختیها و گرفتاریها بسیار صبور و بردبار بود، به حدی که اهل این زمان آن را بر نمی‌تابند و تحمل نمی‌کنند. فرزندش در نجف از دنیا رفت و او گریه و زاری نکرد. زمانی که از دفن او برمی‌گشت، خیر درگذشت فرزند دیگرش، شیخ شریف، در ایران به او رسید پس او به سجده افتاد و شکر خدا را نمود و برای هر دو، مجلس فاتحه گذاشت و بر این مصیبت و بلا خدا را سپاس می‌گذارد. زیرا اعتقادش آن بود که این، آزمایش بندگان و پاک شدن گناهان است - همانگونه که مفاد برخی از احادیث شریفه، همین است. صبر و بردباری اش در بیماری اخیر او - که منجر به وفاتش شد - به این اعتقادش، به خوبی گواهی داد.

او به بیماری سختی در مجرای ادرارش دچار شد و پس از عملی ناکارآمد، برای او مجرای ادراری از خاصره اش ساختند و چند بار برای معالجه به ایران آمد، اما درمان مفید و کارساز نیفتاد، و در بستر بیماری خفت و مرضش، نزدیک ده سال به درازا کشید. در این زمان علما و فضلا و دوستانش و سایر مؤمنین به



آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی از شاگردان ایشان

۵. سراج المبتدی در شرح «بداية الهداية» شیخ حر عاملی: از تألیف این کتاب، در ۱۳۴۳ ه. ق فراغت جسته، و ابواب معاملات آن - از متاجر تا دیات - کامل و مببضه بوده، ولی ابواب عبادات آن ناتمام است [آقا بزرگ تهرانی، نقباء البشر، ج ۴، ص ۱۳۲۸؛ الذریعة، ج ۱۲، ۱۶۰].

۶. مصباح الانیس: تعریب «انيس التجار» ملا مهدی نراقی، همراه با فتاوی استادش، آیت الله سید اسماعیل صدر که در رمضان ۱۳۲۵ ه. ق. در کاظمین از آن فراغت جسته است [آقا بزرگ تهرانی، الذریعة، ج ۲۱، ۱۱۰۶].

۷. تقریرات درس فقه حاج میرزا حسین خلیلی

۸. تقریرات درس فقه میرزا حبیب الله رشتی

۹. تقریرات درس فقه حاج آقا رضا همدانی

۱۰. تقریرات درس اصول آخوند خراسانی [امین عاملی، سید

محسن، اعیان الشیعة، ج ۸، ۱۵۱].

۱۱. تقریرات درس اخلاق ملا حسینقلی همدانی

۱۲. رافع الغواشی عن بعض شبهات و جوه الحواشی: در این

کتاب برخی از حواشی استادش میرزا حسین خلیلی بر نجات العباد را مورد بررسی قرار داده و دلیل و مدرک آنها را بیان می کند [آقا بزرگ تهرانی، الذریعة، ج ۱۰، ۶۰].

۱۳. تنویر المرأة (شرح اسناد کافی): این کتاب در بیان احوال رجال احادیث کافی و ناظر به مرآة العقول علامه مجلسی است و تا باب کفاف اصول کافی رسیده، ولی مرگ به او مهلت اتمام کتاب را نداد [آقا بزرگ تهرانی، الذریعة، ج ۴، ۴۷۱؛ نقباء البشر، ج ۴، ۱۳۲۸].

۱۴. تدوین حواشی الوسائل: مؤلف در کاظمین به نسخه اصل وسائل الشیعه برخورد و مشاهده کرد که شیخ حر عاملی بر آن حواشی چندی نگاشته است. وی آنها را در دفتری جداگانه، در سال ۱۳۴۱ ه. ق. تدوین نموده است.

۱۵. کشکول: که در آن فوائد متفرقه، و از آن جمله کتاب «فصل القضاء» را گرد آورده است.

۱۶. دفترهای متعدد در بحثهای فقهی، اصولی و حدیثی وی همه این کتابها را بر ورقهایی که از بخارا و کشورهای اسلامی به نجف می آمد، نگاشت و اصولاً، سلف صالح ما بر پرهیز از اجناس خارجی و به کاربردن ساخته های کشورهای مسلمان شدیداً حرص می ورزیدند [تهرانی، نقباء البشر، ج ۴، ۱۳۲۸] پیشتر نیز این مطلب را در شرح زندگی بزرگانی همچون میرحامد حسین، شیخ محمد جواد بلاغی و میرزا حسن سیادتی سبزواری باز گفته ایم.

درگذشت

آن مرحوم پس از پشت سر نهادن یک دوره بیماری سخت و طولانی ده ساله که در تمام این مدت خانه نشین بود و از آن سختی فراوان دید، در شب چهارشنبه ۲۲ جمادی الثانی ۱۳۷۱ ه. ق. چشم از جهان فرو بست و به موالیان طاهرینش پیوست. با اعلام خیر وفات آن رادمرد علم و زهد و تقوا در نجف، شهر جامه ماتم پوشید و پرچمهای عزا برافراشته و بازارها و درسهای حوزه علمیه تعطیل گردید و تمام طبقات و اصناف - از عالم و عامی، و از دور و نزدیک - در تشییع پیکر پاکش شرکت نمودند.

آیت الله سید محسن حکیم بر بدن او نماز خواند و آنگاه، بنا به وصیت دوست صمیمی و نظیرش در علم و زهد و پرهیزگاری، آیت الله شیخ نصرالله حویزی (د. ۱۳۴۶ ه. ق) در مقبره او - مقابل مقبره صاحب جواهر در محله «عماره» - به خاک سپرده شد و مجالس بزرگداشت مقام علمی و عملی اش در ایران و عراق از سوی علما و هیئات دینی و طبقات مختلف، تا مدتهای بسیار ادامه یافت. علامه سید محمد حسن آل طالقانی در رثایش چنین سرود:

[آقا بزرگ تهرانی، نقباء البشر، ج ۴، ۱۳۲۷]

راع ذوی الفضل مصاب به هز عمود الدین هولاً فمال
واظلم الکون علی فقد من نموذجاً قدکان بین الرجال
والناس ضجت لمصاب له هدت من الحزن رواسی الجبال
والکل منهم قد غدا سائلاً ولیس ثم من یجیب السؤال
هل فقد الدین عمیداً له أرخ «اجل و غاب بدر الکمال»
۱۳۷۱ ه. ق.

منابع:

۱. آل محبویه، شیخ جعفر، ماضی النجف و حاضرها، چاپ بیروت، دارالاضواء
۲. اعتماد السلطنة، محمد حسن خان، المآثر و الآثار، چاپ تهران، کتابخانه سنایی
۳. امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعه، چاپ بیروت، دارالتعارف
۴. امینی، محمد هادی، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف خلال الف عام، چاپ بیروت، دارالاضواء
۵. تهرانی، شیخ آقا بزرگ، الذریعة الی تصانیف الشیعه، بیروت، دارالاضواء
۶. همو، نقباء البشر فی القرون الرابع عشر، مشهد، نشر مرتضی
۷. حرز الدین، شیخ محمد، معارف الرجال، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی
۸. غروی اردوبادی، محمد علی، السبیل الجدد الی حلقات السند، تحقیق و تکمیل: احمد محمد رضا حائری (مجله «علوم الحدیث»، ش ۲، رجب ۱۴۱۸ ه. ق)
۹. معلم حبیب آبادی، محمد علی، مکارم الآثار، تحقیق و تکمیل، سید محمد علی روضائی، چاپ اصفهان
۱۰. مرعشی نجفی، سید محمود، المسلسلات فی الاجازات (جلد دوم تراجم شیوخ الاجازه)، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی